



تحلیل روند نابرابری توسعه ورزش قهرمانی در استان‌های ایران

مینا ملائی^{۱*}، رحیم رضانی نژاد^۲، مجید یاسوری^۳، محمد جوادی پور^۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۳

چکیده

هدف: نابرابری و عدم توازن در روند توسعه‌یافتگی استان‌ها، سبب نابرابری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. در این صورت، ممکن است ورزش نیز مانند سایر بخش‌ها از روند توسعه‌یافتگی نابرابر و نامتوازن برخوردار باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر به منظور تحلیل روند و تغییرات توسعه ورزش قهرمانی استان‌های ایران انجام گرفته است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از ۴۸ شاخص، روند توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های ایران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را بررسی کرده است. جامعه آماری شامل تمامی استان‌های ایران و نمونه آماری برابر با جامعه آماری و شامل ۳۱ استان است که در سال ۱۳۹۰ در تقسیمات کشوری ایران قرار داشتند. ضمناً از روش تحلیل عاملی برای محاسبه شاخص‌های ترکیبی و از تحلیل خوشه‌ای برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی ورزشی استان‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: بررسی روند توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی نشان داد در سال ۱۳۸۵ سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی ۸ درصد از استان‌ها بالا بود و ۶ درصد از آنها محروم و غیربرخوردار بودند. در حالی که در دوره شش ساله مورد بررسی، نسبت استان‌های توسعه‌یافته در سال ۱۳۹۰ به ۴۳/۳ درصد و نسبت استان‌های محروم به ۴۰ درصد تغییر کرده است. این روند نشان دهنده افزایش نابرابری‌ها و شکاف میان استان‌ها از نظر توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی در سال‌های اخیر می‌باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نابرابری توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های کشور، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آتی، اولویت تخصیص منابع به استان‌های مرزی و پیرامونی اختصاص یابد تا علاوه بر جلوگیری از مهاجرت ورزشکاران و سایر منابع انسانی فعال در ورزش استان‌های محروم، زمینه ارتقای هرچه بیشتر ورزش قهرمانی در کشور و کسب موفقیت در میادین بین‌المللی و جهانی ایجاد شود.

واژه‌های کلیدی: توسعه ورزش، نابرابری، توسعه منطقه‌ای، ورزش استان‌ها، ورزش قهرمانی.

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان

۲. استاد مدیریت ورزشی دانشگاه گیلان

۳. استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان

۴. دانشیار روش‌ها و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: m8mallaei@yahoo.com

مقدمه

برنامه‌ریزی منطقه‌ای با هدف توسعه و کاهش نابرابری‌های بین مناطق از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. در اغلب این کشورها، علاوه بر نابرابری‌های منطقه‌ای، نوعی ناهماهنگی در سطح توسعه‌یافتگی مناطق نیز وجود دارد. البته شدت و ضعف این نابرابری‌ها و ناهماهنگی‌ها در نواحی مختلف، از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم و در حال توسعه و پیامد شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸). در ایران نیز بر اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته، توسعه و زیر ساخت‌های آن در نواحی مختلف جغرافیایی و استان‌ها، تفاوت شدیدی را در روند توسعه-یافتگی استان‌ها ایجاد کرده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹). به همین علت، شناخت و تحلیل وضعیت استان‌ها و مناطق کشور در حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و محیطی نخستین گام در فرایند توسعه متوازن و منطقه‌ای است. ضمناً در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و استانی، شناسایی جایگاه توسعه یافتگی مناطق و استان‌ها نسبت به یکدیگر بسیار ضروری است (صادقی آرائی و میرغفوری، ۱۳۸۸). طبق تعریف سازمان ملل متحد، توسعه متوازن عبارت از ایجاد فرصت برابر برای تمامی مردم جامعه جهت مشارکت در توسعه و استفاده از مزایای آن است؛ لذا توسعه متوازن به معنی رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی در تمام مناطق کشور همراه با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی آنهاست (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱). ضمناً هدف از توسعه متوازن و متعادل ایجاد بهترین

شرایط و امکانات برای توسعه همه مناطق کشور است که باعث افزایش کیفیت زندگی افراد در همه مناطق و کاهش یا به حداقل رساندن تفاوت استان‌ها در امکانات، زیرساخت‌ها و بهره‌گیری از منابع می‌شود.

مطالعات نشان داده‌اند استان‌های ایران از لحاظ توسعه‌یافتگی در تمامی ابعاد توسعه مانند فرهنگی، جمعیتی، زیربنایی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، کشاورزی، صنعتی، مسکن (کالبدی) و خدمات رفاهی و غیره با یکدیگر تفاوت دارند و از سال‌های گذشته در سطح توسعه‌یافتگی آنها نابرابری چشمگیری وجود داشته (بختیاری، ۱۳۸۱؛ مصری‌نژاد و ترکی، ۱۳۸۳؛ فطرس و بهشتی‌فر، ۱۳۸۵؛ ملکی و شیخی، ۱۳۸۸؛ ضرابی و شاهینودی، ۱۳۸۹) و در سال‌های اخیر نیز این نابرابری‌ها تغییر چندانی نکرده است (سرائی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ضرابی و شیخ‌بیگلر، ۱۳۹۰؛ طحاری و همکاران، ۱۳۹۱؛ پوراصغر و همکاران، ۱۳۹۱؛ عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱). همچنین، بررسی روند توسعه‌یافتگی مناطق کمتر مورد توجه قرار گرفته است و محققان اندکی، تغییرات سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور را در سال‌های متوالی بررسی کرده‌اند. مثلاً سلیمی‌فر (۱۳۸۱) روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی را در دوره ۷۵-۱۳۵۵ بررسی و مشخص کرد از نظر توسعه یافتگی صنعتی استان‌های اصفهان، یزد، تهران، قم، مرکزی، خوزستان، سمنان و کرمانشاه در سطح بالا؛ استان‌های آذربایجان غربی و زنجان در سطح متوسط؛ و سایر استان‌ها در سطح پائین

قرار داشتند. همچنین، تفاوت آشکاری بین استان‌های کشور در این دو مقطع مشاهده شد و برخی از استان‌ها مانند تهران، قم، مرکزی، هرمزگان و ایلام تغییرات زیادی در سطوح توسعه صنعتی داشتند. فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آنها را در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ با استفاده از ۹۰ شاخص اقتصادی-اجتماعی بررسی کردند و نشان دادند سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در این سال‌ها به میزان ۲۵٪ افزایش یافته است، ولی نابرابری بین آنها در همین سال‌ها به میزان ۴/۵۶٪ افزایش داشته است. مولایی (۱۳۸۶) نیز درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌ها را در دو مقطع زمانی ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ مقایسه کرد و نشان داد توسعه خدمات و رفاه اجتماعی در استان‌های کشور در این سال‌ها افزایش یافته، اما توزیع آن نامتوازن‌تر شده بود. همچنین، وی با بررسی درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی استان‌های کشور در همان دو مقطع، مشخص کرد سطح توسعه کشاورزی استان‌های کشور در این سال‌ها تغییر چندانی نداشته، اما شدت نابرابری بین آنها ۱۸/۷ درصد افزایش یافته است (مولایی، ۱۳۷۸).

جمالی و همکاران (۱۳۸۸) روند سه دهه نابرابری در نقاط شهری استان‌ها را با استفاده از داده‌های سال ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بررسی کردند و نشان دادند در این سال‌ها فقط استان زنجان روند صعودی داشت و بیشتر استان‌ها روند رو به رشدی نداشتند. همچنین، در این سال‌ها تغییری در مراتب سطح توسعه‌یافتگی استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و سیستان

و بلوچستان مشاهده نشد و این استان‌ها در این سه دهه محروم‌ترین استان‌های کشور بودند. روند توسعه انسانی استان‌ها در سه دوره ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ در مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۹۰) بررسی و مشخص شد در این دوره، شاخص توسعه انسانی استان‌ها افزایش یافته بود و استان تهران بیشترین و استان‌های کردستان و سیستان کمترین توسعه انسانی را دارا بودند. این یافته‌ها، روند نابرابر و نامتوازن توسعه استان‌های کشور را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد. به طور کلی، سطح توسعه‌یافتگی بیشتر هر استان در یکی از ابعاد باعث می‌شود تا زیرساخت‌ها و زمینه‌های مورد نیاز برای پیشرفت سایر ابعاد توسعه در آن ایجاد شود. بنابراین نابرابری و عدم توازن در روند توسعه-یافتگی استان‌ها، پیش‌زمینه وجود نابرابری در زمینه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی است.

ورزش نیز پدیده‌ای اجتماعی است که از سایر ساختارهای اجتماعی موجود تأثیر می‌پذیرد و توسعه متوازن در ورزش نیز چالش بزرگ اغلب کشورهای در حال توسعه است که توسعه ورزش قهرمانی نیز بخشی از روند توسعه یافتگی محسوب می‌شود. توسعه ورزش قهرمانی در هر کشور، پیش‌زمینه موفقیت در رقابت‌های جهانی و المپیک است و موفقیت در میدانی بین‌المللی ورزشی موقعیت و جایگاه ارزشمندی است که اغلب، دولت‌ها از ظرفیت‌های سیاسی و تبلیغاتی آن برای رسیدن به بسیاری از اهداف غیرورزشی خود استفاده می‌کنند. این نوع موفقیت‌ها به علت ایجاد حس غرور ملی، پیوستگی اجتماعی و وجهه بین‌المللی، ظرفیت سوددهی اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد و کاربرد دیپلماتیک آن نیز روز به روز در حال افزایش است (گرین و

هولیهان، ۲۰۰۸). امروزه، دولت‌ها دریافته‌اند که برای به حداکثر رساندن فواید ورزش باید حرکت‌هایی به سمت برقراری مجموعه‌ای از ابعاد یا ارکان سیاست‌گذاری ورزشی انجام دهند و به دنبال کلیدهای مؤثری برای کسب مزایای رقابتی در ورزش باشند. در نتیجه، تمایل آنها برای سرمایه‌گذاری مستقیم در توسعه ورزش قهرمانی روند رو به رشدی داشته است، به نحوی که اوکلی و گرین^۱ (۲۰۰۱) آن را جنگ ارتش-های ورزشی جهان^۲ نام نهاده‌اند (به نقل از دی-بوسچر، دی‌ناپ، ون بوتنبرگ، شیلی و بینگهام، ۲۰۰۹). البته کشورهای پیشرفته که عمدتاً در هر دو حوزه ورزش همگانی و قهرمانی به خوبی پیشرفت کرده‌اند و به دنبال توسعه ورزش نخبه و موفقیت‌های بیشتر بین‌المللی هستند. به همین علت، پژوهش‌های خارجی نیز بیشتر عوامل مؤثر بر موفقیت کشورها را در رقابت‌های بین‌المللی و توسعه ورزش نخبه^۳ بررسی کرده‌اند (هافمن، ۲۰۰۲؛ استرکن و کوپر، ۲۰۰۳؛ برنارد، ۲۰۰۸؛ دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹؛ موآرو، ۲۰۱۰؛ آندرف و آندرف، ۲۰۱۰) و سنجش سطح توسعه‌یافتگی ورزشی یک کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در داخل کشور به موضوع توسعه ورزش و به ویژه ورزش قهرمانی توجه کمتری شده است و بیشتر مطالعات بر برنامه‌ریزی‌های استراتژیک متمرکز شده‌اند. از این میان، دو مطالعه بر ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در سطح ملی متمرکز شده‌اند (مظفری و همکاران، ۱۳۹۱؛ احسانی و همکاران، ۱۳۹۲) که عمدتاً با رویکرد

برنامه ریزی استراتژیک انجام گرفته‌اند. برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز ابعاد خاصی از عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش قهرمانی مانند خصوصی‌سازی (رضوی، ۱۳۸۵؛ رضوی و همکاران، ۱۳۸۳)، رسانه‌ها (هنری و مرادی، ۱۳۹۱؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۹۰؛ رجبی و همکاران، ۱۳۹۱) و استعدادیابی و فرایندهای آن در رشته‌های مختلف ورزشی (تندنویس و قاسمی، ۱۳۸۶؛ شریف‌نژاد، ۱۳۸۷؛ عسگری و همکاران، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۲) را بررسی کرده‌اند. در سطح استانی نیز غفرانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ سیف پناهی و همکاران، ۱۳۹۰)، برای ورزش قهرمانی استان‌های مختلف برنامه‌ریزی راهبردی ارائه کرده‌اند. همچنین، ریحانی و همکاران (۱۳۸۹) و رمضانی‌نژاد و ریحانی (۱۳۹۰) چالش‌ها و فرایندهای ورزش قهرمانی و نخبه را بررسی کرده‌اند. البته در برخی مطالعات، مواردی از نابرابری استان‌ها در توسعه ورزش مورد تأیید قرار گرفته است. مثلاً، اولین بار جمالی و همکاران (۱۳۸۸) روند توسعه‌یافتگی ورزش استان‌ها را در کنار سایر ابعاد توسعه اجتماعی با استفاده از ۴ شاخص سرانه ورزشی، تعداد مربیان زن به ازای ده هزار نفر جمعیت زن، تعداد ایستگاه‌های ورزشی همگانی ناحیه به ازای صد هزار نفر جمعیت و تعداد هیئت‌های ورزشی فعال ناحیه به کل هیئت‌های ورزشی شهری سنجیدند و مشخص کردند سطح توسعه‌یافتگی ورزشی استان‌ها در این دوره تغییرات زیادی داشته است. مثلاً استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ برخوردارترین استان شناخته شد، در حالی که این استان در سال ۱۳۷۵ در رده استان‌های محروم قرار گرفته بود.

1. Oakley & Green
2. Global sporting armies race
3. Elite

ورزشکاران، سطوح مختلف ورزشی را پشت سر بگذارند و به نقطه اوج یا بالاترین سطح یک رشته ورزشی دست پیدا کنند و به یک ورزشکار نخبه تبدیل شوند (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، مشخص کردن میزان توسعه‌یافتگی استان‌ها در ورزش قهرمانی تا حد زیادی به تشخیص میزان اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ورزش قهرمانی کشور کمک می‌کند. ضمناً محمدقلی‌نیا (۱۳۸۶) معتقد است سرمایه‌گذاری تخصصی در ورزش قهرمانی باید مبتنی بر پتانسیل‌های سرزمینی و جغرافیایی هر منطقه، شرایط نیروی انسانی مستقر در آنها و به صورت همگرا با برنامه‌های استراتژیک و سطح کلان کشور انجام شود. این گونه سرمایه‌گذاری باعث می‌شود تا از امکانات موجود به صورت حداکثر استفاده شود و زمینه توسعه هرچه بیشتر ورزش و به ویژه ورزش قهرمانی فراهم گردد.

بررسی مبانی و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در مطالعاتی که از شاخص‌های مرتبط با ورزش قهرمانی برای تعیین توسعه‌یافتگی این سطح از ورزش استفاده شود، بسیار محدود است. همچنین، شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش‌ها اندک هستند؛ مثلاً در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) فقط از بیست شاخص استفاده شد که عمدتاً زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی و منابع انسانی استان‌ها را می‌سنجیدند و در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸) نیز فقط از ۴ شاخص استفاده شده بود. در سایر پژوهش‌ها هم شاخص‌های ورزشی فقط محدود به مدال‌های کسب شده و موفقیت‌های ورزشی هستند. از طرف دیگر، در این مطالعات توسعه‌یافتگی ورزش استان‌ها به صورت

استان زنجان نیز که در سال ۱۳۶۵ جزء استان‌های محروم بود در سال ۱۳۸۵ به ردیف استان‌های توسعه‌یافته صعود پیدا کرده بود. صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) نیز با استفاده از ۲۰ شاخص زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات، میزان مشارکت افراد، نیروی انسانی، مدال‌های کسب شده و تعداد میزبانی مسابقات ورزشی، توسعه‌یافتگی ورزش را در استان‌های ایران را در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بررسی کردند و نشان دادند علی‌رغم کاهش تعداد استان‌های کمتر توسعه‌یافته در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۴، بیش از ۹۳٪ استان‌های ایران از امکانات ورزشی کافی محروم بودند. همچنین، تعداد استان‌های توسعه‌نیافته نیز از ۵ استان در سال ۱۳۸۴ به ۱۲ استان در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته بود. عسکریان و همکاران (۱۳۹۲) نیز سطح توسعه ورزش قهرمانی استان‌های کشور را بررسی کردند و نشان دادند در سال ۱۳۸۸ استان‌های فارس، اصفهان و مازندران توسعه‌یافته بودند و استان تهران به دلیل شدت توسعه‌یافتگی ورزشی نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن بود.

به طور کلی، نابرابری و عدم توازن توسعه استان‌ها در بخش‌های مختلف می‌تواند سبب نابرابری و عدم توازن توسعه‌یافتگی ورزش و ورزش قهرمانی استان‌ها شود. بنابراین بررسی وضعیت توسعه ورزش قهرمانی در استان‌های کشور، آگاهی از جایگاه استان‌ها در ورزش قهرمانی و تعیین میزان توسعه‌یافتگی آنها می‌تواند بیانگر شرایط عمومی ورزش قهرمانی در کشور باشد. منظور از شرایط عمومی در ورزش قهرمانی محیط‌های اجتماعی و سازمان‌هایی هستند که شرایطی را فراهم می‌کنند تا

سال ۱۳۹۰ در تقسیمات کشوری ایران قرار داشتند. به دلیل آن که استان البرز با مصوبه مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۷ به طور رسمی از استان تهران تفکیک شد و اطلاعات آماری آن قبل از سال ۱۳۹۰ موجود نبود، به طور مجزا در دامنه زمانی این پژوهش قرار نگرفت. در نتیجه، نمونه آماری این پژوهش به ۳۰ استان کاهش یافت.

پس از انتخاب شاخص‌ها، برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به توسعه ورزش قهرمانی استان‌ها به مرکز آمار وزارت ورزش و جوانان، وبسایت وزارت ورزش و جوانان و وبسایت سازمان‌های ورزش و جوانان استان‌ها مراجعه و داده‌های مربوط به شاخص‌های منتخب جمع‌آوری شد. پس از آن شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از روش استاندارد کردن^۱ رفع مقیاس شدند. در این روش با تقسیم کردن انحراف مقادیر متغیر از میانگین آن به انحراف استاندارد، مقادیر اصلی استاندارد شده و متغیرها از مقیاس رها می‌شوند و با جمع جبری مقادیر استاندارد شده، شاخص ترکیبی به دست می‌آید. برای تبدیل مقادیر شاخص به مقادیر استاندارد از فرمول ذیل استفاده می‌شود:

کلی و بدون تفکیک سطوح پرورشی، همگانی، قهرمانی و نخبه از یکدیگر بررسی شده بود. بنابراین، با توجه به اهمیت ورزش قهرمانی در سیاست‌های ورزشی و غیر ورزشی کشور و محدود بودن مطالعات مربوط به توسعه‌یافتگی ورزش استان‌ها، بررسی وضعیت توسعه ورزش قهرمانی استان‌ها با استفاده از شاخص‌های بیشتر و دقیق‌تر ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸) روند سه دهه‌ای و در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) روند دوساله توسعه ورزش بررسی شده بود و مطالعه عسکریان و همکاران (۱۳۹۲) نیز به یک سال محدود می‌شد. همچنین مطالعات مذکور مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ بود و اخیراً سطح توسعه‌یافتگی ورزشی استان‌ها بررسی نشده است. لذا با توجه به گذر زمان و تغییرات احتمالی در زیرساخت‌ها و امکانات استان‌ها و تغییرپذیری سطوح توسعه ورزش قهرمانی در سال‌های مختلف، هدف از مطالعه حاضر، بررسی روند شش ساله توسعه-یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بود.

$$Z = \frac{x_{ij} - \bar{x}_i}{\sqrt{\frac{\sum (x_i - \bar{x}_i)^2}{N}}}$$

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای است که با استفاده از ۴۸ شاخص، توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. جامعه آماری شامل تمامی استان‌های ایران و نمونه آماری برابر با جامعه آماری و شامل ۳۱ استان است که در

در این معادله Z برابر مقادیر استاندارد شده، x_{ij} برابر مقدار شاخص i در منطقه j ، $\bar{x}_i$ برابر میانگین متغیر i و N برابر تعداد مناطق است. پس از این که اختلاف مقیاس بین شاخص‌ها از بین رفت،

1. Standardized score

چندین شیوه مختلف برای خوشه‌بندی، توانایی تبدیل متغیرها و اندازه‌گیری عدم تشابه بین خوشه‌ها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (موحد و همکاران، ۱۳۹۰). در این مطالعه، پردازش اولیه داده‌ها یعنی محاسبه میانگین، انحراف استاندارد، بی‌مقیاس کردن مقادیر شاخص‌ها در روش استاندارد کردن، اعمال وزن شاخص‌ها و به‌دست آوردن ضریب عاملی و رتبه‌بندی استان‌ها از نرم افزار excel نسخه ۲۰۰۷ استفاده شد و نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ برای انجام تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای و سطح بندی استان‌ها به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

پس از تکمیل جمع‌آوری داده‌های پژوهش، از تحلیل عاملی همراه با چرخش متعامد برای مشخص کردن ابعاد توسعه ورزش قهرمانی و به دست آوردن ضریب عاملی هر شاخص استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱، مشاهده می‌شود آماره KMO محاسبه شده برای شاخص‌های توسعه ورزش قهرمانی، برابر با ۰/۷۸۸ است که نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. معنی‌دار بودن ($P \leq 0.05$) آزمون بارلت نیز نشان می‌دهد ماتریس داده‌های مربوط به شاخص‌های توسعه ورزش قهرمانی از کروییت لازم برای انجام تحلیل عاملی برخوردار بود.

مهم‌ترین موضوع تعیین وزن مناسب برای شاخص‌هاست. تعیین وزن برای شاخص‌ها به منظور کنترل اختلاف بین متغیرها و به روش‌های مختلفی مانند روش‌های مک‌گراناهان^۱ و تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۲ انجام می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۰). در این پژوهش، از تحلیل عاملی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای وزن دادن به شاخص‌های پژوهش استفاده شد. پس از محاسبه وزن شاخص‌ها با استفاده از تحلیل عاملی، وزن محاسبه شده در مقادیر استاندارد شده شاخص‌ها ضرب و ضریب عاملی هر شاخص محاسبه شد. با جمع کردن ضرایب عاملی و تقسیم آنها بر تعداد شاخص‌ها، شاخص ترکیبی به دست آمد. در نهایت، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای^۳ سطح توسعه‌یافتگی هر استان مشخص شد. روش تحلیل خوشه‌ای از روش‌های آماری مهم است که از آن به عنوان ابزاری برای سطح‌بندی مناطق، گزینه‌ها، متغیرها و حتی تصمیم‌گیری چندشاخصه نیز استفاده می‌شود. در روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای سعی می‌شود تا مشاهدات به گروه‌های متجانس تقسیم شود، به گونه‌ای که مشاهدات هم‌گروه به یکدیگر شبیه و با مشاهدات سایر گروه‌ها کمترین تشابه را داشته باشند. روش تحلیل خوشه‌ای، به طور کلی به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: (۱) روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی و (۲) روش خوشه‌بندی غیر سلسله مراتبی. روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی به دلیل سادگی روش کار و تفسیر جواب‌های حاصله و از طرف دیگر به دلیل توانایی خوشه کردن متغیرها، دارا بودن

1. McGranahan
2. Principle component analysis
3. Cluster analysis

جدول ۱. نتایج آزمون‌های KMO و بارتلت مربوط به شاخص‌ها

آزمون کفایت حجم نمونه کیسر-میر-الکین	۰/۷۸۸
آزمون بارتلت	۶۷۰۷/۲۹۶
درجه آزادی	۱۱۲۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱

هم‌چنین اطلاعات مربوط به متوسط ضریب تغییرات شاخص‌ها در شش سال مورد بررسی، نشان‌دهنده نابرابری بیشتر استان‌ها در شاخص‌های "نسبت عضویت زنان در کرسی‌های بین‌المللی"، "نسبت مساحت اماکن ورزشی بخش خصوصی" و "نسبت عضویت مردان در کرسی‌های بین‌المللی" است.

با توجه به نتایج جدول ۲، ملاحظه می‌شود بارهای عاملی شاخص‌های توسعه ورزش قهرمانی استان‌ها معنی‌دار هستند. هم‌چنین، شاخص‌های نسبت میزبانی اردوی تیم ملی به تعداد هیئت‌های فعال (۰/۹۲۴)، نسبت تیم‌های حاضر در لیگ کشوری به تعداد هیئت‌های فعال (۰/۸۴۹) و نسبت مدال‌های کسب شده در مسابقات قهرمانی کشور به ورزشکاران اعزامی (۰/۸۳۹) بیشترین بار عاملی را داشته‌اند.

جدول ۲. میزان بار عاملی و ضریب تغییرات شاخص‌های توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های ایران

شاخص‌ها	بار عاملی	ضریب تغییرات	شاخص‌ها	بار عاملی	ضریب تغییرات
نسبت ورزشکاران زن سازمان‌یافته	۰/۷۳۴	۰/۶۴۹	نسبت مکان‌های ورزشی زنان	۰/۶۰۱	۱/۱۶۵
نسبت ورزشکاران مرد سازمان‌یافته	۰/۷۱۰	۰/۵۱۲	نسبت مساحت مکان‌های ورزشی زنان	۰/۵۱۰	۰/۷۷۳
نسبت ورزشکاران سازمان‌یافته	۰/۵۰۷	۰/۵۰۶	نسبت استخرهای روباز	۰/۴۷۰	۱/۵۹۱
نسبت مربیان زن	۰/۷۷۷	۰/۴۰۶	نسبت استخرهای سرپوشیده	۰/۵۸۷	۰/۸۶۶
نسبت مربیان مرد	۰/۶۵۸	۰/۴۶۳	نسبت مساحت اماکن ورزشی سازمان ورزش و جوانان	۰/۴۹۰	۰/۶۳۱
نسبت داوران زن	۰/۷۸۳	۰/۴۸۷	نسبت مساحت اماکن ورزشی بخش دولتی	۰/۷۲۲	۰/۸۳۲
نسبت داوران مرد	۰/۶۳۹	۰/۴۰۸	نسبت مساحت اماکن ورزشی بخش خصوصی	۰/۵۱۵	۲/۰۶۵
نسبت کارکنان سازمان ورزش و جوانان	۰/۷۸۰	۰/۶۹۹	نسبت مجموعه‌های ورزشی	۰/۴۶۶	۰/۸۳۱
نسبت ناچیان غریق زن	۰/۷۲۴	۰/۵۷۶	نسبت پایگاه‌های ورزش قهرمانی	۰/۶۳۵	۱/۱۲۷
نسبت ناچیان غریق مرد	۰/۷۳۲	۰/۵۳۴	نسبت مدال‌های کسب شده در مسابقات کشوری	۰/۸۳۹	۰/۵۸۱
نسبت ورزشکاران زن عضو تیم ملی	۰/۵۳۴	۰/۸۲۴	نسبت مدال‌های کسب شده در مسابقات آسیایی	۰/۵۰۱	۰/۹۸۹
نسبت ورزشکاران مرد عضو تیم ملی	۰/۷۶۷	۰/۷۰۴	نسبت مدال‌های کسب شده در مسابقات جهانی	۰/۷۸۹	۱/۶۰۹

نسبت ورزشکاران زن دعوت شده به تیم ملی	۰/۴۷۸	۰/۶۹۲	نسبت مدال‌های کسب شده در مسابقات بین‌المللی	۰/۷۴۸	۱/۵۹۳
نسبت ورزشکاران مرد دعوت شده به تیم ملی	۰/۷۲۹	۰/۶۰۸	نسبت تیم‌های حاضر در لیگ کشوری	۰/۸۴۹	۰/۵۱۹
نسبت ورزشکاران اعزامی به مسابقات کشوری	۰/۵۸۰	۰/۶۱۰	نسبت هیئت‌های فعال	۰/۵۳۳	۰/۶۵۱
نسبت ورزشکاران اعزامی به مسابقات بین‌المللی	۰/۴۱۸	۰/۹۳۵	نسبت سایت‌های اطلاع رسانی	۰/۷۸۷	۱/۲۶۶
نسبت عضویت زنان در کرسی‌های بین‌المللی	۰/۷۲۸	۲/۳۵۲	نسبت تعداد میزبانی مسابقات کشوری	۰/۵۴۲	۰/۸۹۰
نسبت عضویت مردان در کرسی‌های بین‌المللی	۰/۷۰۲	۱/۹۷۴	نسبت تعداد میزبانی مسابقات بین‌المللی	۰/۵۸۰	۱/۵۱۸
سرانه اعتبارات هزینه‌ای سازمان ورزش و جوانان	۰/۵۱۴	۰/۴۸۷	نسبت تعداد میزبانی اردوی تیم ملی	۰/۹۴۲	۱/۲۹۶
سرانه اعتبارات عمرانی سازمان ورزش و جوانان	۰/۴۱۱	۰/۹۵۹	نسبت تعداد مسابقات استانی برگزار شده	۰/۸۹۹	۰/۲۷۰
نسبت مکان‌های ورزشی روباز در دست احداث	۰/۵۵۸	۰/۶۲۳	نسبت تعداد کلاس‌های مربیگری زنان	۰/۷۲۹	۰/۷۳۱
نسبت مکان‌های ورزشی سرپوشیده در دست احداث	۰/۶۵۸	۰/۵۷۶	نسبت تعداد کلاس‌های مربیگری مردان	۰/۸۳۵	۰/۶۵۶
نسبت مساحت مکان‌های ورزشی روباز	۰/۴۴۶	۰/۵۰۳	نسبت تعداد کلاس‌های داوری زنان	۰/۵۵۲	۰/۶۲۶
نسبت مساحت مکان‌های ورزشی سرپوشیده	۰/۷۴۰	۰/۴۰۱	نسبت تعداد کلاس‌های داوری مردان	۰/۷۲۴	۰/۴۹۲

داده‌های جدول ۳، نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵ استان‌های اردبیل، زنجان، سمنان و تهران بالاترین و استان‌های آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و خراسان شمالی پائین‌ترین رتبه؛ در سال ۱۳۸۶ استان‌های زنجان، اردبیل، سمنان و بوشهر بالاترین و استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، سیستان و بلوچستان و خراسان شمالی پائین‌ترین رتبه؛ در سال ۱۳۸۷ استان‌های زنجان، سمنان، ایلام و اردبیل بالاترین و استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی پائین‌ترین رتبه؛ در سال ۱۳۸۸ استان‌های تهران، بوشهر،

یزد و اردبیل بالاترین و استان‌های آذربایجان غربی، قزوین، سیستان و بلوچستان و هرمزگان پائین‌ترین رتبه؛ در سال ۱۳۸۹ استان‌های بوشهر، سمنان، یزد و هرمزگان بالاترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خوزستان و خراسان شمالی پائین‌ترین رتبه را در توسعه ورزش قهرمانی داشتند. در سال ۱۳۹۰ نیز استان‌های سمنان، یزد، بوشهر و تهران بالاترین و استان‌های خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی پائین‌ترین رتبه توسعه ورزش قهرمانی را داشتند.

جدول ۳. مقادیر شاخص ترکیبی و رتبه توسعه ورزش قهرمانی استان‌های ایران

استان	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۶	سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۹	سال ۱۳۹۰
شاخص ترکیبی	رتبه	شاخص ترکیبی	رتبه	شاخص ترکیبی	رتبه	شاخص ترکیبی
آذربایجان شرقی	۲۸	-۰/۲۰۹	۲۶	-۰/۱۸۶	۲۷	-۰/۱۹۹
آذربایجان غربی	۳۰	-۰/۳۵۷	۳۰	-۰/۳۸۲	۳۰	-۰/۲۵۵
اردبیل	۱	-۰/۵۵۸	۲	-۰/۴۰۲	۴	-۰/۸۳
اصفهان	۱۶	-۰/۰۳۱	۱۷	-۰/۰۴۳	۱۲	-۰/۱۱۸
ایلام	۷	-۰/۰۸۳	۶	-۰/۱۴۶	۱۰	-۰/۱۳۵
بوشهر	۱۵	-۰/۰۱۹	۴	-۰/۱۸۶	۲	-۰/۱۹۵
تهران	۴	-۰/۲۱۳	۷	-۰/۱۳۹	۱	-۰/۱۷۳
چهارمحال و بختیاری	۲۱	-۰/۰۹۲	۲۲	-۰/۰۸۳	۱۳	-۰/۱۱۴
خراسان جنوبی	۶	-۰/۱۲۸	۸	-۰/۱۳۲	۱۵	-۰/۱۲۲
خراسان رضوی	۸	-۰/۰۷۳	۱۱	-۰/۰۳۸	۸	-۰/۰۹۲
خراسان شمالی	۲۷	-۰/۱۸۶	۲۷	-۰/۲۰۷	۲۳	-۰/۳۵۶
خوزستان	۲۶	-۰/۱۸۴	۲۹	-۰/۲۳۷	۲۲	-۰/۲۳۷
زنجان	۲	-۰/۴۵۸	۱	-۰/۴۰۳	۵	-۰/۰۱۹
سمنان	۳	-۰/۳۶۳	۳	-۰/۲۱۶	۶	-۰/۳۸۵
سیستان و بلوچستان	۲۹	-۰/۲۶۷	۲۸	-۰/۲۰۸	۲۸	-۰/۳۱۴
فارس	۲۰	-۰/۰۸۷	۱۶	-۰/۰۳۹	۱۴	-۰/۰۸۵
قزوین	۱۱	-۰/۰۰۴	۲۰	-۰/۰۵۸	۲۹	-۰/۰۹۳
قم	۲۵	-۰/۱۵۳	۲۵	-۰/۱۲۷	۹	-۰/۱۱۶
کردستان	۱۲	-۰/۰۰۸	۱۸	-۰/۰۵۲	۱۶	-۰/۱۳۴
کرمان	۲۴	-۰/۱۰۷	۱۴	-۰/۰۳۱	۱۷	-۰/۱۰۳
کرمانشاه	۲۳	-۰/۰۹۷	۱۵	-۰/۰۳۷	۲۶	-۰/۱۶۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴	-۰/۰۱۹	۱۳	-۰/۰۰۴	۲۰	-۰/۱۰۶
گلستان	۱۹	-۰/۰۸۱	۲۴	-۰/۱۲۱	۲۴	-۰/۱۵۶
گیلان	۲۲	-۰/۰۹۴	۲۳	-۰/۱۰۵	۱۹	-۰/۰۶۴
لرستان	۱۳	-۰/۰۱۲	۱۹	-۰/۰۵۶	۷	-۰/۰۴۰
مازندران	۹	-۰/۰۲۰	۲۱	-۰/۰۶۶	۱۸	-۰/۰۵۶
مرکزی	۱۷	-۰/۰۳۵	۹	-۰/۱۲۲	۲۵	-۰/۱۸۲
هرمزگان	۱۰	-۰/۰۰۹	۱۰	-۰/۰۶۹	۲۷	-۰/۲۱۳
همدان	۱۸	-۰/۰۶۱	۱۲	-۰/۰۱۰	۱۱	-۰/۰۵۷
یزد	۵	-۰/۱۸۳	۵	-۰/۱۷۹	۳	-۰/۲۶۴

این سال، استان‌های اردبیل، سمنان و زنجان بسیار توسعه یافته و استان آذربایجان غربی بسیار محروم شناخته شدند. در سال ۱۳۸۶، ۳۷/۷٪ از استان‌ها توسعه یافته و بسیار توسعه یافته و ۲۶/۶٪ درصد از آنها محروم و بسیار محروم بودند.

استفاده از تحلیل خوشه‌ای نشان داد در سال ۱۳۸۵، از نظر توسعه ورزش قهرمانی ۲۶/۷٪ درصد از استان‌های کشور توسعه یافته و بسیار توسعه یافته، ۵۳/۳٪ درصد نسبتاً توسعه یافته و ۲۰٪ درصد از آنها محروم و بسیار محروم بودند. در

درصد از آنها محروم و بسیار محروم بودند. در این سال، استان سمنان تنها استان بسیار توسعه یافته و استان های آذربایجان غربی، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان بسیار محروم بودند.

با توجه به اطلاعات جدول ۴، استان های ایلام، تهران، زنجان، سمنان و یزد در سطوح بالای توسعه ورزش قهرمانی قرار داشتند و استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، خوزستان و سیستان و بلوچستان جزء استان های محروم و بسیار محروم بودند. علاوه بر این، سطح توسعه یافتگی استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، تهران، زنجان، فارس، گیلان، لرستان، مازندران و همدان نسبتاً ثابت بود و سطح توسعه یافتگی استان های اصفهان، بوشهر، خوزستان، سمنان و یزد روند افزایشی و سطح توسعه یافتگی استان های چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان روند کاهشی داشتند. در ضمن، تغییرات زیادی در سطح توسعه یافتگی استان های اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی و هرمزگان مشاهده شد.

استان های اردبیل و زنجان در این سال بسیار توسعه یافته بودند و آذربایجان غربی استان بسیار محروم بود. در سال ۱۳۸۷، ۲۶/۴ درصد از استان ها توسعه یافته و بسیار توسعه یافته و ۱۳/۳ درصد از آنها محروم و بسیار محروم بودند. در این سال، استان زنجان توسعه یافته ترین و استان آذربایجان غربی همانند سال های پیشین محروم ترین استان کشور در توسعه ورزش قهرمانی بودند.

در سال ۱۳۸۸ هم تعداد استان های توسعه یافته و هم تعداد استان های محروم افزایش زیادی پیدا کرد و مشخص شد ۳۶/۷ درصد از استان ها توسعه یافته و بسیار توسعه یافته و ۳۶/۶ درصد محروم بسیار محروم بودند. استان های اردبیل، بوشهر، تهران، زنجان، سمنان و یزد استان های بسیار توسعه یافته و آذربایجان غربی محروم ترین استان ها در این سال بودند. در سال ۱۳۸۹، استان های توسعه یافته و بسیار توسعه یافته ۲۳/۳ درصد و استان های محروم و بسیار محروم ۵۰ درصد از استان های کشور را شامل می شدند. استان های بسیار توسعه یافته در این سال شامل بوشهر، زنجان، سمنان، هرمزگان و یزد و استان های بسیار محروم شامل آذربایجان غربی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان و قزوین بودند. در سال ۱۳۹۰ نیز ۴۳/۳ درصد از استان ها توسعه یافته و بسیار توسعه یافته و ۴۰

جدول ۴. سطح توسعه یافتگی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بر اساس تحلیل خوشه‌ای

سال	بسیار توسعه یافته	توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	محروم	بسیار محروم
۱۳۸۵	استان اردبیل، سمنان، زنجان	ایلام، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد	اصفهان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان	آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم	آذربایجان غربی
تعداد	۳	۵	۱۶	۵	۱
درصد	۱۰	۱۶/۷	۵۳/۳	۱۶/۷	۳/۳
۱۳۸۶	استان اردبیل، زنجان	ایلام، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سمنان، مرکزی، هرمزگان، یزد	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، همدان	آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان	آذربایجان غربی
تعداد	۲	۹	۱۴	۴	۱
درصد	۶/۷	۳۰	۴۶/۷	۱۳/۳	۳/۳
۱۳۸۷	استان زنجان	اردبیل، ایلام، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، سمنان، یزد	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان	آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان	آذربایجان غربی
تعداد	۱	۷	۱۸	۳	۱
درصد	۳/۳	۲۳/۴	۶۰	۱۰	۳/۳
۱۳۸۸	استان اردبیل، بوشهر، تهران، زنجان، سمنان، یزد	ایلام، خراسان رضوی، قم، لرستان، همدان	اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، فارس، کردستان، کرمان، گیلان، مازندران	آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مرکزی، هرمزگان	آذربایجان غربی
تعداد	۶	۵	۸	۱۰	۱
درصد	۲۰	۱۶/۷	۲۶/۷	۳۳/۳	۳/۳
۱۳۸۹	استان بوشهر، زنجان،	ایلام، تهران	اردبیل، اصفهان،	آذربایجان شرقی،	آذربایجان

۱۳۹۰	استان	سمنان	اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، مرکزی، همدان، یزد	خوزستان، زنجان، گیلان، لرستان، هرمزگان	آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان	آذربایجان غربی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان	تعداد	۵	۲	۸	۱۰	۵
							درصد	۱۶/۷	۶/۶	۲۶/۷	۳۳/۳	۱۶/۷
							تعداد	۱	۱۲	۵	۹	۳
							درصد	۳/۳	۴۰	۱۶/۷	۳۰	۱۰

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که در میان گویه های مربوط به عوامل فرهنگی، گویه های شماره ۱، ۲ و ۳ دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ($P \leq 0.05$) نسبت به همین سطح را دارا می باشند، بنابراین در این گویه ها فرض صفر ($H_0: \mu = 3$) رد می گردد و می توان بیان نمود که میانگین نمونه به طور معناداری بزرگتر از سطح متوسط می باشد ($H_A: \mu > 3$)، اما گویه های ۴، ۵ و ۶ به دلیل اختلاف میانگین منفی و یا نداشتن اختلاف معنادار، از عوامل فرهنگی حذف شده و در آزمون رتبه ای فریدمن در نظر گرفته نمی شوند. هم چنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده در آزمون فریدمن، فرض یکسان بودن ۳ گویه تعریف شده رد می شود، و مشخص می گردد که این گویه ها تاثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای دارند، که در این میان گویه عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، با

میانگین رتبه ۲/۱۴، در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می باشد.

بحث و نتیجه گیری

در برنامه ریزی منطقه ای، آنچه مورد تأکید است دستیابی به برابری کامل نیست، بلکه جلوگیری از عدم تعادل های شدید منطقه ای است (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸). این نابرابری های، به ویژه در کشورهای وسیع، چالشی اساسی در مسیر توسعه است زیرا این نابرابری ها، تهدیدی جدی برای دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰). ایران نیز با وسعت جغرافیایی بسیار زیاد برای برقراری توسعه متوازن و متعادل استان های کشور با چالشی جدی مواجه است. ضمناً نابرابری در توسعه یافتگی استان ها بر ابعاد مختلف دیگری مانند ورزش قهرمانی اثرگذار است و تفاوت های زیادی را در توسعه یافتگی ورزشی استان ها ایجاد کرده است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد در سال ۱۳۸۵ سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی ۸ درصد از استان‌ها بالا بود و ۶ درصد از آنها محروم و غیربرخوردار بودند. البته، نسبت استان‌های توسعه‌یافته در سال ۱۳۹۰ به ۴۳/۳ درصد و نسبت استان‌های محروم به ۴۰ درصد تغییر و افزایش یافت که نشان دهنده بیشتر شدن نابرابری‌ها و شکاف میان استان‌ها در سال‌های اخیر است. این نابرابری بیشتر در برخی از شاخص‌های مرتبط با منابع انسانی فعال در ورزش مانند "نسبت عضویت زنان و مردان در کرسی‌های بین‌المللی"، "نسبت ورزشکاران اعزامی به مسابقات بین‌المللی"، همچنین برخی از شاخص‌های مرتبط با زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی مانند "نسبت امکان ورزشی متعلق به بخش خصوصی"، "نسبت اماکن ورزشی بانوان" و "نسبت پایگاه‌های قهرمانی" وجود دارد. علاوه بر این، نابرابری استان‌ها در سرائه اعتبارات عمرانی نسبتاً زیاد بود. فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵)، صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) و جمالی و همکاران (۱۳۸۸) نیز روند نابرابری توسعه ورزش در استان‌های کشور را در حال افزایش و سلیمی‌فر (۱۳۸۰) و مولایی (۱۳۸۶)، (۱۳۸۷) در حال کاهش گزارش کرده بودند. تفاوت نتایج این پژوهش با سه پژوهش اخیر احتمالاً به متفاوت بودن حوزه‌های مورد مطالعه و فاصله زمانی زیاد آنها با پژوهش حاضر مربوط می‌شود. چون در این پژوهش‌ها به ترتیب روند توسعه توسعه صنعتی، کشاورزی و خدمات و رفاه اجتماعی استان‌ها بررسی شده بود. البته در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده شد که روند نابرابری استان‌ها بر خلاف ورزش در سایر ابعاد رو به کاهش و متعادل شدن است.

در این مطالعه مشخص شد استان‌های ایلام، تهران، زنجان، سمنان و یزد در سطح توسعه یافتگی بالا، روند نسبتاً ثابتی داشتند. استان‌های سمنان و تهران در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸)، فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶)، (۱۳۸۷) و استان‌های زنجان و یزد در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶) نیز سطح توسعه‌یافتگی بالای خود را حفظ کرده بودند. البته بالا بودن سطح توسعه‌یافتگی آنها در سایر مطالعات توسعه‌یافتگی مانند سرائی و همکاران (۱۳۹۰)، طحاری و همکاران (۱۳۹۱)، عبدالله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۱) تأیید شده است. استان ایلام در این مطالعات در سطح نیمه‌برخوردار و کمتر توسعه‌یافته قرار داشت. همچنین، در این مطالعه استان‌های اصفهان، بوشهر، خوزستان، فارس و همدان روند صعودی را در سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی داشتند. اگرچه استان اصفهان در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) در سطح محروم، در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) در سطح نسبتاً توسعه‌یافته و در مطالعه مولایی (۱۳۸۶)، (۱۳۸۷) در سطح توسعه‌یافته قرار داشت، اما در پژوهش حاضر از سطح نسبتاً توسعه‌یافته به سطح توسعه‌یافته دست یافته بود. استان بوشهر در این مطالعه از سطح توسعه‌یافته به سطح بسیار توسعه‌یافته رسیده بود که روند صعودی آن با یافته‌های فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶) همخوانی دارد، البته این استان در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) در سطح نیمه برخوردار قرار گرفته بود. استان خوزستان در این پژوهش از سطح محروم به نسبتاً توسعه‌یافته دست پیدا کرده بود که با

یافته‌های صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) و مولایی (۱۳۸۶، ۱۳۸۷) مغایر بود. در هر سه مطالعه مذکور، این استان روند نزولی در سطح توسعه‌یافتگی داشت، اگر چه سطوح پائین توسعه‌یافتگی این استان در این پژوهش‌ها مورد تأیید قرار گرفته بود. استان فارس در پژوهش حاضر از سطح نسبتاً توسعه‌یافته به سطح توسعه‌یافته صعود کرده بود. این استان در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) به طور ثابت در سطح نیمه‌برخوردار، در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) در سطح نسبتاً توسعه‌یافته و در مطالعه مولایی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) در سطح توسعه‌یافته قرار داشت. استان همدان نیز در مطالعه حاضر از سطح نسبتاً توسعه‌یافته به سطح توسعه‌یافته دست یافته بود. این استان در مطالعه صادقی آرانی (۱۳۸۸) به طور نزولی از سطح نیمه‌برخوردار به سطح محروم رسیده بود و در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) به صورت ثابت در سطح نسبتاً توسعه‌یافته قرار داشت.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد استان‌های آذربایجان شرقی و غربی به صورت ثابت و به ترتیب در سطح محروم و بسیار محروم قرار داشتند. ثبات روند توسعه استان آذربایجان شرقی در پژوهش‌های صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸)، فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶، ۱۳۸۷) نیز تأیید شده بود، اگرچه این استان در پژوهش‌های مذکور در سطح توسعه‌یافتگی نسبتاً توسعه‌یافته و توسعه‌یافته قرار داشت. استان آذربایجان غربی در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸) به طور ثابت در سطح محروم قرار داشت و در مطالعه

صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) از سطح نیمه توسعه‌یافته به سطح محروم نزول یافته بود. در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و مولایی (۱۳۸۶، ۱۳۸۷) این استان به صورت ثابت در سطح نسبتاً توسعه‌یافته قرار داشت. علاوه بر این، در مطالعه حاضر استان‌های چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان روندی نزولی در سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی داشتند. سطح توسعه‌یافتگی استان چهارمحال و بختیاری در دوره زمانی مورد مطالعه از نسبتاً توسعه‌یافته به محروم کاهش یافته بود. پائین بودن سطح توسعه این استان در مطالعات دیگر نیز تأیید شده بود (رج. بختیاری، ۱۳۸۱؛ ملکی و شیخی، ۱۳۸۸؛ ضرابی و شاهپوندی، ۱۳۸۹؛ سرائی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ضرابی و شیخ‌بیگلر، ۱۳۹۰؛ طحاری و همکاران، ۱۳۹۱؛ عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱)، اما روند توسعه‌یافتگی آن در مطالعه مولایی (۱۳۸۷) صعودی و در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) و مولایی (۱۳۸۶) ثابت بود. در سایر مطالعات روند توسعه‌یافتگی استان‌های خراسان جنوبی، رضوی و شمالی به تفکیک بررسی نشده بود. در این مطالعه استان خراسان جنوبی از سطح توسعه‌یافته به نسبتاً توسعه‌یافته، استان خراسان رضوی با نزولی شدید از سطح توسعه‌یافته به محروم و استان خراسان شمالی از محروم به بسیار محروم رسیده بودند.

مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸)، فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) و صادقی (۱۳۹۰) به طور ثابت در سطح محروم قرار داشت. سطح توسعه‌یافتگی استان کرمان در مطالعه مولایی (۱۳۸۷) نیز روندی نزولی داشت، اگرچه در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) به طور ثابت در سطح محروم و در مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) در سطح توسعه‌یافته قرار داشت. همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های کرمانشاه و گلستان از نسبتاً توسعه یافته به محروم کاهش یافته بود. در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸) و فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) این استان‌ها به طور ثابت در سطح نیمه‌توسعه‌یافته و نسبتاً توسعه‌یافته قرار داشتند.

اگرچه ثبات در سطوح بالای توسعه‌یافتگی و روند افزایشی سطح توسعه بسیار مطلوب، هدف اصلی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مناطق است، اما ثبات در سطوح پائین توسعه‌یافتگی و روند نزولی در سطح توسعه، نامطلوب و نشانه عدم برنامه‌ریزی صحیح و عدم اختصاص صحیح منابع در برنامه‌ریزی‌های ملی است. با توجه به این که در پژوهش حاضر اکثر استان‌های کشور روندی نزولی در سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی داشتند (حدود ۴۰ درصد)، توجه جدی به سیاست‌گذاری‌های دقیق و متناسب با ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های هر استان به ویژه استان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته ضروری است. یکی از پیامدهای گریزناپذیر و مهم نابرابری منطقه‌ای، تمرکز جمعیت در مناطق توسعه‌یافته و بالا رفتن تراکم جمعیتی در آنها می‌شود. کمبود

در مطالعه صادقی (۱۳۹۰) و فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) استان خراسان به طور ثابت در سطح توسعه‌یافته قرار داشت، در حالی که در مطالعه مولایی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) از سطح نسبتاً توسعه‌یافته به سطح توسعه‌یافته دست پیدا کرده بود.

محرومیت و توسعه‌نیافتگی استان سیستان و بلوچستان در اکثر مطالعات مانند بختیاری (۱۳۸۱)، مصری‌نژاد و ترکی (۱۳۸۳)، ملکی و شیخی (۱۳۸۸)، ضرابی و شاهپوندی (۱۳۸۹)، سرائی و همکاران (۱۳۹۰)، ضرابی و شیخ‌بیگلر (۱۳۹۰)، طحاری و همکاران (۱۳۹۱)، عبدالله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۱) تأیید شده بود. این استان در مطالعه حاضر از سطح محروم به بسیار محروم رسیده بود. در مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۸) توسعه ورزشی این استان با روندی صعودی از سطح محروم به توسعه‌یافته تغییر پیدا کرده بود، هرچند توسعه‌یافتگی آن در سایر ابعاد به طور ثابت در سطح محروم قرار گرفته بود. در مطالعه صادقی آرانی و میرغفوری (۱۳۸۸)، مولایی (۱۳۸۷) و صادقی (۱۳۹۰) نیز این استان به طور ثابت در سطح محروم و توسعه‌نیافته قرار داشت. در مطالعه حاضر سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی استان‌های قزوین و قم از نسبتاً توسعه‌یافته به محروم نزول پیدا کرده بود. این استان‌ها در مطالعه صادقی (۱۳۹۰) به طور ثابت در سطح نیمه توسعه‌یافته قرار داشتند. سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کردستان و کرمان در این مطالعه از نسبتاً توسعه‌یافته به محروم تنزل پیدا کرده بود. روند نزولی توسعه استان کردستان در مطالعه مولایی (۱۳۸۶) و قرار گرفتن آن در سطح استان‌های محروم نیز مشاهده شده بود. این استان در

اولویت تخصیص منابع با استان‌های مرزی و پیرامونی اختصاص باشد تا با ایجاد توازن در توسعه ورزش قهرمانی در استان‌های کشور، زمینه ارتقای این سطح از ورزش کشور و کسب موفقیت در میادین بین‌المللی و جهانی ایجاد شود. علاوه بر این، ایجاد زمینه توسعه متوازن ورزش قهرمانی می‌تواند به متوازن‌تر شدن توسعه سایر سطوح ورزشی به ویژه ورزش همگانی کمک کند و زمینه‌ساز گسترش و ارتقای سلامت عمومی و فرهنگ ورزش در تمامی استان‌های کشور شود.

منابع

- احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی و قره‌خانی، حسن (۱۳۹۲)، *طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور*، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۱)، *تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور*، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۲، صص ۱۵۵-۱۸۵.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد؛ صالحی، اسماعیل و دیناروندی، مرتضی (۱۳۹۱)، *سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های ایران با رویکرد تحلیل عاملی*، مجله علمی-پژوهشی آمایش سرزمین، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۵-۲۶.
- تندنویس، فریدون و قاسمی، محمدهادی (۱۳۸۶)، *مقایسه دیدگاه ورزشکاران، مربیان و صاحب‌نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی ژیمناستیک*

امکانات و زیرساخت‌های ورزشی در مناطق محروم باعث می‌شود تا ورزشکاران نخبه و با استعداد، مربیان و داوران توانمند و مجرب برای بهره‌برداری از این فضاها و امکانات و رسیدن به سطوح بالاتر عملکرد به مناطق توسعه‌یافته‌تر ورزشی مهاجرت کنند. از آنجا که در کشور ما زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی با نرخ پائینی توسعه و افزایش پیدا می‌کنند، افزایش جمعیت ورزشکاران و سایر منابع انسانی فعال در ورزش قهرمانی در مناطق توسعه‌یافته‌تر در کنار مهاجرت‌هایی که به واسطه کمبودها و محرومیت‌های اقتصادی- اجتماعی انجام می‌پذیرد، سبب کاهش سرانه فضاها، زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی در مناطق برخوردار می‌شود. این موضوع می‌تواند از مهم‌ترین دلایل پائین بودن سطح توسعه‌یافتگی ورزش قهرمانی در استان‌هایی نظیر اصفهان و فارس و حتی نامتوازن‌تر شدن توسعه ورزش قهرمانی در میان استان‌ها باشد. به طور کلی، نابرابری و نامتوازن بودن ابعاد مختلف توسعه و به ویژه توسعه ورزش قهرمانی در استان‌ها در این مطالعه و سایر مطالعات تأیید شده است. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های استانی ورزش قهرمانی، ارتقاء و بهره‌وری منابع انسانی فعال در ورزش قهرمانی به ویژه ورزشکاران مورد توجه ویژه قرار گیرد. هم‌چنین، با فراهم کردن زمینه حضور بخش خصوصی در ورزش استان‌ها هم به ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی در آنها کمک شود و هم منابع و اعتبارات مالی مورد نیاز ورزش قهرمانی استان‌ها افزایش یابد. در طرح‌ها و راهبردهای کلان توسعه ورزش قهرمانی کشور نیز، بهتر است

مقابل ورزش قهرمانی، همایش ملی تفریحات ورزشی، ۲-۳ آذر ۱۳۹۰، صص ۵۶-۵۷.

➤ ربیحانی، محمد؛ عیدی، حسین و رمضان‌نژاد، رحیم (۱۳۸۹)، بررسی مدل‌ها و فرایند مدیریت ورزشکاران نخبه، دهمین همایش علمی-پژوهشی دانشگاه گیلان، ۲۷ خرداد ۱۳۸۹.

➤ زیاری، کرامت‌الله؛ سرخ‌کمال، کبری و زنجیرچی، سید محمود (۱۳۸۹)، ارزیابی کلاسیک کارایی استان‌های کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی با استفاده از روش DEA، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۳، صص ۲۵۵-۲۷۳.

➤ سرائی، محمد حسین؛ سرخ‌کمال، کبری؛ بیرانوندزاده، مریم و مهنی‌زاده، منصوره (۱۳۹۰)، ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک لاجیت و پروپیت، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره سوم، صص ۷۹-۹۲.

➤ سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۱)، مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۵۵، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱، صص ۷۷-۱۰۵.

➤ سیف پناهی شعبانی، جبار؛ گودرزی، محمود؛ حمیدی، مهرزاد و خطیبی، امین (۱۳۹۰)، طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش قهرمانی استان کردستان، مدیریت ورزشی، شماره ۸، صص ۵۷-۷۳.

➤ شریف‌نژاد، علی (۱۳۸۷)، بررسی وضع موجود و تدوین شاخص‌های استعدادیابی

المپیک، سال پانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، صص ۱۷-۳۱.

➤ جمالی، فیروز؛ پورمحمدی، محمدرضا و قنبری، ابوالفضل، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)، نشریه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۴، شماره ۹۵، صص ۱-۲۸.

➤ حسینی، سید شاهو؛ حمیدی، مهرزاد؛ قربانیان رجبی آسیه و سجادی، سید نصرالله (۱۳۹۲)، شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران و تنگناها و چالش‌های فراوری آن، مدیریت ورزشی، شماره ۱۷، صص ۲۹-۵۴.

➤ رجبی، مالک؛ حسینی، محمد سلطان؛ رضوی، سید محمد حسین و حسینی، سید عماد (۱۳۹۱)، نقش رسانه‌ها و تماشاگران در جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش قهرمانی، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۳، صص ۹۳-۱۰۶.

➤ رضوی، سید محمد حسین (۱۳۸۵)، خصوصی سازی و اصلاح ساختار ورزش قهرمانی در کشور، حرکت، شماره ۲۷، صص ۱۹-۳۱.

➤ رضوی، سیدمحمدحسین؛ خوش‌چهره، محمد؛ کاظم‌نژاد، انوشیروان و اسدی، حسن (۱۳۸۳)، خصوصی‌سازی در ورزش با تأکید بر ورزش قهرمانی، نشریه علمی پژوهشی المپیک، شماره ۴ (پیاپی ۲۸)، صص ۷۵-۸۶.

➤ رمضان‌نژاد، رحیم و ربیحانی، محمد (۱۳۹۰)، چالش توسعه ورزش همگانی در

مدیریت ورزشی، تیرماه ۱۳۹۲، صص ۱۵-۱۶.

➤ عسگری، بهمن؛ ریحانی، محمد؛ عیدی، حسین و رضانی نژاد، رحیم (۱۳۹۰)، *چالش استعدادیابی در ورزش: توسعه ورزش یا موفقیت بین المللی*، اولین همایش ملی استعدادیابی در ورزش، ۲۷-۲۸ مهر ۱۳۹۰، صص ۶۶-۷۰.

➤ غفرانی، محسن؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، نصرا...؛ جلالی فراهانی، مجید و مقرنسی، مهدی (۱۳۸۸)، *طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان*، نشریه حرکت، شماره ۳۹، صص ۱۰۷-۱۳۱.

➤ فطرس، محمد حسن و بهشتی فر، محمود (۱۳۸۵)، *تعیین سطح توسعه یافتگی استان های کشور و نابرابری بین آنها طی سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳*، نامه اقتصادی، جلد دوم، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۲.

➤ کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، *برنامه ریزی و توسعه منطقه ای (تئوری ها و تکنیک ها)*، چاپ اول، تهران: خوشبین، صص ۱۲۶-۱۲۷.

➤ گرین، مایک و هولیهان، باری (۲۰۰۸)، *سیاست گذاری و اولویت بندی در توسعه ورزش قهرمانی*، ترجمه: رضا قراخانو و احسان قراخانو، چاپ اول، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، صص ۱۲.

➤ محمد قلی نیا، جواد (۱۳۸۷)، *نظام آمایش ورزش قهرمانی کشور بررسی تعاریف، مدل ها و تکنیک های برنامه ریزی ملی و منطقه ای*، طرح تحقیق سازمان تربیت

در رشته دوجرخه سواری، طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

➤ صادقی آرائی، زهرا و میرغفوری، سید حبیب اله (۱۳۸۸)، *تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی ورزشی استان های ایران طی سال های ۸۵-۱۳۸۴*، پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۴، صص ۱۰۳-۱۲۰.

➤ ضرابی، اصغر و شاهپوندی، احمد (۱۳۸۹)، *تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران*، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۱، شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، صص ۱۷-۳۲.

➤ ضرابی، اصغر و شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۹۰)، *سطح بندی شاخص های توسعه سلامت استان های ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۱۲۸.

➤ طحاری مهرجردی، محمد حسین؛ زنجیرچی، سید محمود؛ بابایی میبدی، حمید و زارعی، محمد (۱۳۹۱)، *بسط یک مدل ناپارامتریک برای ارزیابی عملکرد کشورهای شرکت کننده در بازی های المپیک*، مدیریت ورزشی، شماره ۱۴، صص ۱۷۷-۱۹۶.

➤ عبدالله زاده، غلامحسین و شریف زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، *سطح بندی توسعه منطقه ای در ایران*، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۴۱-۶۲.

➤ عسکریان، فریبا؛ جعفری، افشار و فخری، فرزاد (۱۳۹۲)، *رتبه بندی استان های کشور از نظر توسعه ورزش قهرمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی*، چهارمین همایش

- مولایی، محمد (۱۳۸۶)، مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه پژوهش‌های رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۴۱-۲۵۸.
- مولایی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی و مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش کشاورزی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۷۱-۸۸.
- هنری، حبیب؛ احمدی، سید عبدالحمید؛ احمدی و مرادی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر نقش‌های اطلاع‌رسانی، مشارکت اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی رسانه‌های ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۲، صص ۱۲۷-۱۴۵.
- BaAndreoni, Andreff, M., & Andreff, W (2010). *Economic Prediction of Sport Performances: From Beijing Olympics to 2010 FIFA World Cup in South Africa*. Working Paper Series. Paper No: 10-08.
- Bernard, A.B (2008). *Going for the Gold: Who Will Win the 2008 Olympic Games in Beijing*. Hanover: Tuck School of Business at Dartmouth;
- De Bosscher, V., De Knop, P., van Bottenburg, M., & Shibli, S (2006). *A Conceptual Framework for Analysing Sports Policy Factors Leading to International Sporting Success*. European Sport Management Quarterly. 6(2): 185-215.
- بدنی جمهوری اسلامی، دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور.
- مرادی، مهدی؛ هنری، حبیب و احمدی، سید عبدالحمید (۱۳۹۰)، بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش قهرمانی، مدیریت ورزشی، شماره ۹، صص ۱۶۷-۱۸۰.
- مصری نژاد، شیرین و ترکی، لیلا (۱۳۸۳)، تعیین درجه توسعه نیافتگی آموزشی استان‌های ایران (تکنیک تاکسونومی عددی)، مجله علوم اداری و اقتصاد اصفهان، سال ۱۶، شماره ۳ و ۴، صص ۱۷۶-۱۹۶.
- مظفری، سید امیر احمد؛ الهی، علیرضا؛ عباسی، شهامت؛ احدپور، هنگامه و رضایی، زین‌العابدین (۱۳۹۱)، راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۳، صص ۳۳-۴۸.
- ملکی، سعید و شیخی، حجت (۱۳۸۸)، تحلیل و طبقه‌بندی شاخص‌ها و تعیین اولویت‌های توسعه در استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، سال ۱۴، شماره ۲۹، صص ۸۵-۶۱.
- موحد، علی؛ فیروزی، محمدعلی و روزبه، حبیب (۱۳۹۱)، تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵، صص ۴۳-۵۶.

- Jiang, Y., Ma, T., Huang, Z (2010). *The Economic Factors Analysis in Olympic Game*. International Journal of Sports Science and Engineering. 4(3): 181-187.
- Mourao, P.J.R (2010). *Reginal Determinants of Competitiveness: The case of Eueropian Soccer Teams*. International Journal of Sport Finance. 5(3): 222-234.
- Sterken, E., & Kuper, G (2003). *Participation and Performance at the Olympic Summer games*. Economy and Sport. 3: 13-20
- De Bosscher, V., De Knop, P., van Bottenburg, M., & Shibli, S (2008). *The Paradox of Measuring Success of Nations in Elite Sport*. Sport Geography. Belgeo. 2: 217-234.
- De Bosscher, V., De Knop, P., van Bottenburg, M., Shibli, S., & Bingham, J (2009). *Explaining international sporting success: An International Comparison of Elite Sport Systems and Policies in Six Countries*. Sport Management Review. 12: 113-136.
- Hoffman, R., Lee, C.G., & Ramasamy, B (2002). *The Socio-Economic Determinants of International Soccer Performance*. Journal of Applied Economics. 5(2): 253-272.





Analysis of Procedure of Competitive Sport Development Inequity in Iran's Provinces

Mina Mallaei^{1*}, Rahim Ramzani nezhad², Majid Yasouri³, Mohammad Javadipour⁴

Received: Apr 12, 2014

Accepted: Sep 20, 2014

Abstract

Objective: Inequality and imbalance in the development procedure of provinces is the foreground of inequality in the social, economic and cultural contexts. Therefore, it is expected that sport as a sociocultural phenomenon, like other sectors, has an unequal and imbalanced development procedure. This study is aimed to analyze the procedure and changes in the development level of Iran's provinces competitive sport.

Methodology: This study is descriptive and analytic which has reviewed the development procedure of competitive sport of provinces between the years 2006 to 2012 by using 48 indicators. The statistical population was embraced all Iran's provinces and the statistical sample was equal to statistical population and consist of 31 provinces which are in Iran's country divisions in 2012. Factor analysis was used to calculate mixed indicators and cluster analysis was used to determine the level of sport development of provinces.

Results: The study of development procedure of competitive sport revealed in 2006, that the level of competitive sport development of 8 percent of provinces was high and 6 percent of them were deprived and disadvantaged, while in six-year era, with increasing trend, the ratio of developed provinces in 2012 had changed to 43.3 percent, and the ratio of disadvantaged provinces had changed to 40 percent.

Conclusion: with consider to competitive sport development inequity in the country provinces, it is recommended that in future plannings and strategy codifications of competitive sport, priority of allocation of resources must be allocated to the periphery and perimeter provinces till in addition to preventing the migration of athletes and active human resources in sport in deprived provinces, to create the background of further promotion on this level of the sport in the country and to be success in international and worldwide competitions.

Keywords: Sport development, inequity, regional development, provinces' sport, competitive sport.

1. Assistant Professor of Sport management, University of Guilan
2. Professor in Sport management, University of Guilan
3. Professor of geography and urban planning, University of Guilan
4. Associated Professor of practices and training programs of university of Tehran

*Email: mkhodaparast90@yahoo.com